

فرصت اندك ترامپ برای معامله با ایران

پرونده ایران در شورای امنیت ملی آمریکا در اختیار جنگ‌طلبان است



تریتا پارسی

معاون اندیشکده کوئینسی

زمانی که دونالد ترامپ در ماه ژانویه وارد کاخ سفید شد، تصمیمی برای اعمال فشار بر ایران و با مجازات تهران نداشت. در عوض، او با پرهیز از لفاظی‌های توهین‌آمیز، انکار تغییر رژیم و اعلام برخورداری از تسلیحات هسته‌ای به عنوان تنها خط قرمز خود، تلاش خود را برای توافق نشان داده بود. سیگنال‌های مشابهی از ایران هم آمد. مذاکرات مستقیم با ترامپ خط جدید در تهران بود. با این حال، این پنجره منحصراً به فرد فرصت به سرعت در حال بسته شدن است؛ عمدتاً به این دلیل که ترامپ توجهی به آن ندارد. سیاست ایران بار دیگر به دست نئومحافظه‌کاران آمریکایی می‌افتد که امید ترامپ برای دستیابی به توافق با ایران را در دور اول ریاست جمهوری اش خراب کردند. در حالی که خطر بروز جنگ وجود دارد. همانطور که در آگوست سال گذشته نوشتیم، به‌رغم لفاظی‌های خطرناک و تهدیدهای نظامی ترامپ در دور اول، هدف او واقعاً رسیدن به توافق جدیدی با ایران بود اما جنگ‌طلبان آمریکایی مانند مایک پمپئو و جان بولتون که می‌خواستند اوضاع را به سمت جنگ سوق دهند، به او توصیه‌های بدی ارائه کردند. نئومحافظه‌کاران، ترامپ را فریب دادند تا فکر کند تشدید تحریم‌ها، ایران را در هم شکسته و مجبور می‌کند در برابر خواسته‌های آمریکا تسلیم شود.

از نظر ترامپ این روش منطقی به نظر می‌رسید. او خواهان توافق بود و فشار آوردن ایران قبل از مذاکرات از نظر او کاملاً منطقی بود. مطالبات حداکثری تنها بخشی از بازی بود و تهران مطمئناً این را درک خواهد کرد اما پمپئو و بولتون همیشه می‌دانستند - همانطور که هر کسی که دانیامیک‌ها در ایران و فرهنگ استراتژیک دولت روحانی را درک می‌کرد، می‌دانست - که درخواست برای تسلیم‌شدن ایران همراه با تحریم‌های خفکان‌آور، تنها زمانی که هدف جنگ باشد، یک راهبرد خوب است اما اگر قرار به گفت‌وگو باشد، این سیاست جواب نمی‌دهد.

لفظی ترامپ در مورد ایران در سال ۲۰۲۴ به طرز چشمگیری متفاوت بود. دیگر نشانه‌های تغییر رژیم، خواسته‌های حداکثری و توهین‌های کوچک از بین رفته بود. در عوض، او بر تمایل خود برای معامله و صلح متمرکز شد. نامزد معاون ریاست جمهوری وی، جی‌دی‌ونس، در مخالفت با جنگ با ایران استدلال‌های استراتژیکی ارائه کرد که مسلماً بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل نمی‌توانست از آن راضی باشد. ونس در گفت‌وگویی با تیم دیلان گفت: «منافع ما کاملاً ایجاب می‌کند که به جنگ با ایران نرویم. مانع آمریکا و اسرائیل در قبال ایران متفاوت است.»

حمله علنی ترامپ به جنگ‌طلبانی نظیر پمپئو، جان بولتون و نیکی هیلی، اخراج برابان هوک، دستیار بولتون، و قول پسر ترامپ، برای حذف نوکان‌ها از دولت دوم ترامپ، نشان می‌دهد که او متوجه شده است که مشاوره‌های بدی به او داده شده بود و اکنون باید رویکرد متفاوتی را در قبال ایران در پیش بگیرد. این موضوع زمانی بیشتر آشکار شد که او یادداشت ریاست جمهوری را امضا کرد که به طور رسمی فشار حداکثری را بر ایران بازگرداند اما در عین حال این تصمیم را کم‌اهمیت جلوه داده و اعلام کرد که از امضای این یادداشت «تند» راضی نیست. البته به همان اندازه که ترامپ خواهان توافق با ایران است، در هفته‌های اخیر مشخص شده است که ایران در اولویت نیست. با در نظر گرفتن موضوع اوکراین، غزه و اختلافات با مکزیک و کانادا، اینطور به نظر می‌رسد بحران ایران هنوز به اندازه کافی ضروری نیست و هر چیزی که در اولویت نباشد به دیگری در دولت ترامپ تعلق می‌گیرد که ممکن است سیاست خارجی «اول آمریکا» با او را نداشت باشند. پرونده حذف‌شده ایران در حال حاضر در دست شورای امنیت ملی است که دیدگاه‌های جنگ‌طلب بیشتری بر آن حاکم است (برخی از محافل نزدیک به ترامپ آن را شورای امنیت نوکانون می‌نامند). سیاست پیش فرضی که آنها دنبال می‌کنند، همانطور که در یادداشتی که ترامپ نمی‌خواست امضا کند، بیان شده است: همان رویکردی است که پمپئو و بولتون در سال ۲۰۱۸ پیش بردند.

در واقع، هیچ همپوشانی بین آنچه ترامپ گفته است که می‌خواهد و آنچه در این یادداشت آمده است وجود ندارد. در حالی که ترامپ تنها بر خورداری از سلاح هسته‌ای توسط ایران را به عنوان خط قرمز خود فهرست می‌کند، این یادداشت منعکس‌کننده بسیاری از ۱۲ شرط پمپئو برای ایران است که برای این بین بردن توافق طراحی شده بود. این یادداشت صرفاً نمی‌گوید که تسلیحات هسته‌ای برای ایران غیرمجاز است، بلکه «قابلیت دستیابی به تسلیحات هسته‌ای» را نیز بیان می‌کند و این یعنی غنی‌سازی هسته‌ای به طور کلی به جای غنی‌سازی با درجه تسلیحات. این خواسته‌ای است که اسرائیل برای از بین بردن هرگونه چشم‌اندازی برای دیپلماسی میان ایران و ایالات متحده مطرح کرده است. علاوه بر این، موضوع هسته‌ای را با ممنوعیت موشک‌های بالستیک قاره‌پیما و همچنین خنثی کردن «شبکه تروریستی ایران» برابر می‌کند. در نهایت، این یادداشت کمیته‌ای برای به صفر رساندن صادرات نفت ایران و اعمال مجدد تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران از طریق مفاد توافق هسته‌ای باراک اوباما به میان می‌آورد.

تناقض گسترده بین اهداف اعلام‌شده ترامپ و سیاست مندرج در این یادداشت، تهران را به سکون واداشته و باعث شده تا آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر ایران ایده مذاکره مستقیم با آمریکا را به طور کلی رد کند. هرگونه تلاش دیپلماتیک، همانطور که در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۲۰ انجام شد، به حاشیه رانده شده است. ایران این نگرانی را دارد که ترامپ مذاکرات هسته‌ای را آغاز خواهد کرد اما به محض آغاز مذاکرات، به سمت مسائلی که ایران آن را غیرمجاز

است اما محدودیت‌های قابل توجهی نیز بر سر راهش دیده می‌شود. نخست اینکه ترکیه باید تهدید جدایی‌طلبان کرد در شمال شرق سوریه را خنثی کند. کردهای سوریه از دیدگاه ترکیه، تهدیدی جدی برای بی‌ثبات کردن مناطق کردنشین جنوب شرق ترکیه به حساب می‌آیند. اخیراً عبدالله اولجلان، رهبر گروه پ‌ک‌ک در اطلاعیه‌ای انحلال این سازمان و خلع سلاح آن را اعلام کرده است. اما مظلوم عبدی، فرمانده کردهای سوریه اعلام کرده که پیام اولجلان ربطی به کردهای سوریه ندارد و کردهای سوریه الزامی برای تبعیت از خواست اولجلان ندارند.

ممکن است به واسطه تمایل دونالد ترامپ برای کاهش حضور نظامی آمریکا در سوریه از فرصت استفاده کرده و آنکارا به عنوان شریک آمریکا در سوریه مطرح کند تا به این ترتیب بتواند حضور نظامی‌اش در شرق و شمال شرق سوریه را رسمیت ببخشد. البته اگر دولت ترامپ مایل باشد وظایف ارتش آمریکا در سوریه را به ترکیه واگذار کند. اما حتی اگر ترامپ مایل به چنین توافقی باشد، برنامه‌هایش برای به دست گرفتن کنترل نوار غزه، بیرون راندن فلسطینی‌ها از این باریکه و تهدید به پایان یافتن آتش‌بس، موجب می‌شود که ترکیه نتواند به آسانی با دولت ترامپ به توافق برسد.

چالش دیگر ترکیه در سوریه ظهور مجدد داعش است. آنکارا مجبور است در روند جذب کردهای سوریه در نظم سیاسی جدید سوریه به رهبری جولانی نقش ایفا کند و به موازات آن با دفاع چالش ظهور مجدد داعش در سوریه نیز مواجه است. علاوه بر این، ترکیه از سیاستش در سال ۲۰۱۱ و در جریان بهار عربی درس گرفته است و به نظر می‌رسد حالا تمایلی ندارد آن سیاست را دوباره اجرایی کند. در آن دوره، حمایت ترکیه از گروه‌های اسلامگرای اخوان المسلمینی موجب عقب‌نشینی کشورهای عربی به خصوص عربستان و امارات شد. این بار آنکارا تمایل دارد که کشورهای عربی را نیز به عنوان شریک در سوریه پس‌اند، به رسمیت بشناسد چراکه ترکیه به پول این کشورها برای بازسازی سوریه نیاز دارد.

نکته دیگری که بسیار اهمیت دارد این است که ترکیه برای پیشبرد اهدافش در سوریه در هر صورت به تفاهم با ایران و اسرائیل نیاز دارد. اسرائیل در مرزهای جنوبی سوریه مستقر شده است و نگاه مثبتی به دولت جدید در سوریه ندارد. اسرائیل از همان روزی که اسد از دمشق فرار کرد، شروع به ایجاد یک منطقه حائل در جنوب غربی سوریه کرد. سازمان اسرائیلی که معرض مواجهه نظامی با نیروهای ترکیه در سوریه نیستند، زیرا نیروهای ترکیه در مناطق مرزی شمالی سوریه مستقر هستند اما در نهایت دو طرف مجبورند در خصوص سوریه با هم کنار بیایند. ایران نیز از طریق مرزهای عراق به سوریه دسترسی دارد و اگر بخواهد می‌تواند از همین طریق، برخلاف منافع ترکیه، در تحولات سوریه نقش ایفا کند. علاوه بر این اقلیت‌های سوری که تقریباً ۴۰ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند هنوز نگاه مثبتی به ایران دارند. به‌طور کلی صرف‌نظر از اینکه اوضاع در آینده چطور پیش خواهد رفت، باید اذعان کرد که ترکیه نقش پیشرو در تغییر شکل منطقه ایفا خواهد کرد.

بلندپروازی‌های ترکیه

توانایی تأثیرگذاری ترکیه بر تحولات شمال آفریقا، جنوب صحرای آفریقا، حاشیه شمال غربی حوزه اقیانوس هند، همه و همه بستگی به موفقیت یا شکست سیاست‌های ترکیه در امتداد مرزهای جنوبی‌اش با سوریه دارد. در این میان روسیه نیز در میزان موفقیت و شکست ترکیه، اثرگذار است. اقدامات ترکیه در سوریه با روابط رو به رشد ترکیه با روسیه به‌طور عام و موازنه قدرت در حوزه دریای سیاه به طور خاص، مرتبط است. البته ترکیه ترجیح می‌دهد که روابطش با روسیه تیره نشود اما ترجیح ترکیه مانع از این امر نشده که آنکارا از آسیب‌هایی که روسیه از حمله‌اش به اوکراین متحمل شده، به نفع خود استفاده نکند. اقداماتی که ترکیه در همکاری با جمهوری آذربایجان برای تضعیف نفوذ روسیه در قفقاز جنوبی انجام داده، از این قبیل است. بنابراین روسیه حقیق دارد که نگران گسترش احتمالی نفوذ ترکیه در آسیای مرکزی نیز باشد.

از سمت شمال نیز ممکن است ترکیه با فرصت‌های بالقوه‌ای مواجه شود. واشنگتن در حال عقب‌نشینی در ماجرای اوکراین است و در صورتی که این جنگ پایان یابد، احتمالاً اروپایی‌ها نقش عمده حمایت از اوکراین را برعهده خواهند گرفت. این مسئله موجب مشغولیت بیشتر اروپا خواهد شد در نتیجه ترکیه این فرصت را خواهد داشت تا دامنه نفوذ خود را در جنوب شرقی اروپا، به خصوص غرب بالکان، گسترش دهد.

البته همه این تحولات زمان‌بر خواهند بود. یکی از مهمترین مشکلات و محدودیت‌های ترکیه برای اجرایی کردن همه این اهداف، مشکلات داخلی است. تورم در ترکیه بسیار بالا است. میزان سرمایه‌گذاری خارجی در ترکیه هنوز پائین است. کسری بودجه ترکیه یک‌شبه برطرف نخواهد شد و مهمتر اینکه رجب طیب اردوغان، و حزب حاکم عدالت و توسعه، به شدت از سمت اپوزیسیون قدرتمند ترکیه تحت فشار قرار دارند. اما به طور کلی اگر ترکیه بتواند در میان‌مدت، همین روند را ادامه دهد، در دوره‌ای که تغییرات در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا موجب تغییر در نظم جهانی شد، فرصتی جدی برای صعود به دست خواهد آورد.



انتقاد ایران از تروئیکای اروپایی

نماینده ایران در سازمان‌های بین‌المللی در وین گفت که «تروئیکای اروپا به دلیل نقض قطعنامه ۲۲۳۱ و برجام، در جایگاه قانونی یا اخلاقی فعال کردن سازوکار اختلاف علیه ایران نیست.» «محسن نذیری اصل» سفیر و نماینده دائمی جمهوری اسلامی ایران نزد دفتر سازمان ملل و سازمان‌های بین‌المللی مستقر در وین، دیروز در سخنرانی خود در جلسه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره راستی‌آزمایی و نظارت در ایران در پرتو قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل گفت که ایران در قبال خروج یک‌جانبه و غیرقانونی آمریکا از توافق هسته‌ای و نقض مکرر و ادامه‌دار برجام (توافق هسته‌ای) از سوی تروئیکای اروپا و اتحادیه اروپا خویشتن‌داری نشان داد اما صوری خویشتن‌داری ایران و پایبندی یکجانبه ایران به این توافق وضعیت را بهبود بخشید و موجب پایبندی طرف‌های مقابل به توافق نشد که مانع از بهره‌مندی ایران از منافع خود در این توافق شد. نذیری با تأکید بر این موضوع که «رویکرد کلی ما نسبت به منع اشاعه تسلیحات اتمی و تعهد خالی از ابهام به خوبی، معلوم است»، تصریح کرد: در همین راستا، ایران با تروئیکای اروپا (فرانسه، انگلیس و آلمان) / اتحادیه اروپا ۳+ برای توافق بر سر برجام تعامل کرد که مذاکرات آن چندین سال به طول انجامید. در واقع، برجام، مبتنی بر تعهدات متقابل ایران و تروئیکای اروپا/ اتحادیه اروپا ۳+ است که ماهیت منحصراً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران را از یک سو از سوی دیگر، فسخ تمامی بندهای قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل از جمله ۱۷۹۶، ۱۷۲۷، ۱۸۰۲، ۱۸۲۵، ۱۹۲۹، ۲۲۳۱ و لغو جامع تمامی تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل و تمامی تحریم‌های هسته‌ای آمریکا، اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن را تضمین می‌کند. تفاهم شده بود که لغو تحریم‌های هسته‌ای و تدابیر محدودکننده تروئیکای اروپا / اتحادیه اروپا و آمریکا به عادی سازی روابط تجاری و اقتصادی با ایران منجر شود. او در ادامه گفت: علاوه بر این، در مقدمه قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل مقرر شده است که برای کارآمد بودن برجام به تغییرات اساسی در تبادلات با ایران منجر خواهد شد. همچنین در این قطعنامه تأکید شده است که «برجام موجب ارتقا، تسهیل و توسعه تماس‌ها و همکاری‌های اقتصادی و تجاری عادی با ایران خواهد شد.» نذیری تصریح کرد: خروج آمریکا از برجام، نقض جدی قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل بود. شرکای باقی‌مانده در برجام، از ایران خواستند چند هفته صبر کند و به آن‌ها اجازه دهد که خسارات وارده در نتیجه خروج آمریکا و بازگردانی تحریم‌ها را جبران کنند. جمهوری اسلامی ایران، پس از خروج آمریکا نیز از به کار بستن حقوق خود برای بازگردانی «سازوکار اختلاف» و متوقف کردن اجرای تعهداتش به مدت بیش از یک سال، خودداری کرد تا به دیپلماسی فرصتی بدهد. او همچنین گفت: همان طور که در «کمیسوین مشترک ورزا» در ۶ ژوئیه ۲۰۱۸ عنوان شد، ایران با حسن‌نیت، از به کار بستن این تدابیر جبرانی خودداری کرد تا شرکای اروپایی برجام بتوانند به وعده‌های خود عمل کنند. در این دیدار، وزرای امور خارجه، صراحتاً، اعلام کردند که «لغو تحریم‌ها، از جمله سود ناشی از آن، یکی از بخش‌های اصلی برجام است. جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با خروج یک‌جانبه و غیرقانونی آمریکا از توافق، همچنین نقض مکرر و ادامه‌دار برجام از سوی تروئیکای اروپا/ اتحادیه اروپا، خویشتن‌داری قابل ملاحظه‌ای نشان داد. متأسفانه، خویشتن‌داری، صوری و پایبندی یک‌جانبه ایران به این توافق، وضعیت را بهبود بخشید و آمریکا و تروئیکای اروپا / اتحادیه اروپا نیز به تعهدات‌شان پایبندی نکردند که به از دست رفتن کامل سودی منجر شد که از لغو تحریم‌ها در برجام، برای ایران حاصل می‌شد. نذیری تأکید کرد: با توجه به این، مایه تأسف است که تروئیکای اروپا و آمریکا، به‌طور سازمان‌یافته‌ای، تلاش کردند که روایت این مسئله را تحریف کنند. نقض برجام از سوی آمریکا پیش از خروج آن از این توافق، خروج آن از برجام و متعاقباً، نقض برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت از سوی آمریکا و تروئیکای اروپا/ اتحادیه اروپا، منجر شد که ایران طبق حقوق خود ذیل بندهای مذکور عمل کند.